

۱۴۴۳/۱۱/۲۱
۹۸,۱۱,۴

مبانی سیاست در اسلام

دکتر عیسی دلاوی

www.ketab.ir

سرشناسه	: ولایی، عیسی، ۱۳۲۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: مبانی سیاست در اسلام / عیسی ولایی.
مشخصات نشر	: تهران: خرسندی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۴۴۶ ص.
شابک	: 978-600-114-654-1
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۴۳۹] - ۴۴۶: همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: اسلام و سیاست
موضوع	: Islam and politics
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ م ۸ و ۲۳۱ BP
رده‌بندی دیو	: ۴۸۳۲/۲۹۷
شماره کتابخانه‌ای	: ۴۴۱۶۴۴۶



انتشارات خرسندی

نمایشگاه و فروشگاه کتب فقهی، حقوقی و مجموعه قوانین

تهران، خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان لبافی‌نژاد - رسید به خیابان دانشگاه - پلاک ۱۷۴ - واحد ۲

تلفن: ۵ - ۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵ - ۸۴ - ۶۶۹۰۰۰۰۰

فروشگاه شماره ۱: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تلفن: ۶۶۴۱۰۲۰۳

فروشگاه شماره ۲: میدان انقلاب، خ منیری جاوید (اردیبهشت)، پلاک ۹۲، تلفن: ۶۶۷۵۵۹۱۰ - ۶۶۹۵۰۷۵۹

فروشگاه شماره ۳: خ انقلاب، نرسیده به میدان فردوسی، کوچه شهید براتی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد،

طبقه زیرین (قسمت کتابفروشی): ۶۶۷۵۵۹۱۰

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: WWW.Khorsandypub.com

مبانی سیاست در اسلام

نویسنده: دکتر عیسی ولایی

ویراست اول: ۱۳۹۵ تیراژ: ۲۰۰۰ جلد قیمت: ۴۰۰,۰۰۰ ریال

ISBN: 978- 600 -114-654-1

شابک: ۱-۶۵۴-۱۱۴-۶۰۰-۹۷۸

مقدمه.....	۱۷
بخش اول - رابطه «دین» و «سیاست» در اسلام.....	۲۱
گفتار اول: دین چیست و سیاست کدام است؟.....	۲۶
گفتار دوم: ضرورت دینداری.....	۲۹
گفتار سوم: دلایل تفکیک ناپذیری «دین» و «سیاست».....	۳۲
۱- ارتباط مادی.....	۳۲
۲- مختل و پیاوخته.....	۳۴
۳- سیره عملی پیامبر و «ان معصوم» (علیه السلام).....	۳۷
۴- گفتار رهبران معصوم.....	۴۰
۵- شاهد عینی.....	۴۰
بخش دوم - توحید، رکن اصلی و مبانی سیاسی در اسلام.....	۴۳
گفتار اول: توحید چیست و نقش آن کدام است؟.....	۴۵
گفتار دوم: طاغوت کدام است؟.....	۴۶
گفتار سوم: عبودیت به چه معنی است؟.....	۵۰
گفتار چهارم: سیاست حاکم بر نظام توحیدی.....	۵۲
گفتار پنجم: سیاست حاکم بر نظام‌های اهریمنی.....	۵۳
بخش سوم - ضرورت تشکیل حکومت.....	۵۵
گفتار اول: ضرورت اجتماعی.....	۵۷
گفتار دوم: انگیزه بعثت انبیاء.....	۵۹
گفتار سوم: ماهیت قوانین اسلام.....	۶۱
گفتار چهارم: سیره عملی در صدر اسلام.....	۶۳
گفتار پنجم: عوامل انزجار مسلمین از تشکیل حکومت.....	۶۳
بخش چهارم - نوع حکومت در اسلام.....	۶۷
بخش پنجم - ارکان حکومت اسلامی.....	۷۳
گفتار اول: قانون.....	۷۵
گفتار دوم: حاکم.....	۸۵
گفتار سوم: جایگاه مردم.....	۸۶

۹۱	بخش ششم - جایگاه اکثریت در نظام سیاسی اسلام
۹۳	گفتار اول: اکثریت در قرآن
۹۵	گفتار دوم: اکثریت و موارد آن
۹۹	بخش هفتم - حکومت واحد جهانی
۱۰۱	گفتار اول: نیاز فطری بشر
۱۰۴	گفتار دوم: اندیشه حکومت جهانی در تفکر سیاسی اسلام
۱۰۹	بخش هشتم - رابطه هدف و وسیله
۱۱۷	بخش نهم - حکومت یا مسئولیت
۱۲۹	بخش دهم - عدالت و جایگاه آن در اسلام
۱۳۱	گفتار اول: عدالت چیست و دلیل لزوم آن کدام است؟
۱۳۴	گفتار دوم: ضرورت تأمین عدالت همه جانبه
۱۳۸	گفتار سوم: آثار و دلالت عدالت
۱۴۳	بخش یازدهم - ویژگی مردم حاکم و حکومت در اسلام
۱۴۶	گفتار اول: اسلامیت
۱۴۶	گفتار دوم: جایگاه مردم در اداره جامعه
۱۴۷	گفتار سوم: گسترش عدالت
۱۴۸	گفتار چهارم: برابری همگان در برابر قانون
۱۵۲	گفتار پنجم: اجرای قانون بدون اغماض و چشم‌پوشی
۱۵۴	گفتار ششم: تفویض مسئولیت‌ها بر اساس لیاقت و شایستگی
۱۵۸	گفتار هفتم: ترجیح انسان‌های حق‌گو بر متعلقان کرکس‌خو
۱۶۲	گفتار هشتم: ضرورت تأمین زندگی کارگزاران
۱۶۴	گفتار نهم: بهره‌گیری برابر از ثروت‌های عمومی
۱۶۶	گفتار دهم: مرافبت و حسابرسی
۱۷۲	گفتار یازدهم: امنیت اجتماعی
۱۷۳	گفتار دوازدهم: احیاء عزت نفس و کرامت انسانی
۱۷۴	گفتار سیزدهم: جلب اعتماد عمومی یا پیوند حاکمیت با مردم
۱۷۷	گفتار چهاردهم: ریشه کن کردن فقر اجتماعی
۱۷۸	گفتار پانزدهم: تشکیل سپاهی نیرومند
۱۷۸	گفتار شانزدهم: انتقادپذیری و دوری از استبداد رأی
۱۷۸	گفتار هفدهم: عاشق مردم بودن
۱۸۲	گفتار هجدهم: پرداخت بدهی بدهکاران

۱۸۳	گفتار نوزدهم: حق بازشناسی همگانی یا لزوم تأمین فقرا.....
۱۸۴	گفتار بیستم: رضایت عمومی.....
۱۸۵	گفتار بیستم و یکم: اقامه حدود و احکام الهی.....
۱۸۹	بخش دوازدهم - مبانی قدرت در سیاست اسلامی.....
۱۹۱	گفتار اول: قدرت چیست؟.....
۱۹۳	گفتار دوم: ابزارهای قدرت کدامند؟.....
۱۹۳	۱- قدرت تنبیهی.....
۱۹۳	۲- قدرت تشویقی.....
۱۹۴	۳- قدرت اناعی.....
۱۹۶	گفتار سوم: نهادهای قدرت کدامند؟.....
۱۹۷	الف. شخصیت.....
۱۹۸	ب. مالکیت.....
۱۹۸	ج. سازمان.....
۲۰۲	گفتار چهارم: تلازم بین قدرت و فساد.....
۲۰۵	گفتار پنجم: قدرت بی انتها.....
۲۰۸	گفتار ششم: ملازمه بین قدرت بی انتها و دیکتاتوری.....
۲۱۰	گفتار هفتم: نفی قدرت بی انتها برای معصومین، چرا؟.....
۲۱۶	گفتار هشتم: رابطه بین قدرت بی انتهای خداوند و آزادی انسانها.....
۲۱۹	بخش سیزدهم - ولایت فقیه و جایگاه آن.....
۲۲۱	گفتار اول: نگرشی به جایگاه ولایت فقیه.....
۲۲۴	گفتار دوم: آیا حکومت دینی میسر است؟.....
۲۲۷	گفتار سوم: ولایت چیست؟ و فقیه کیست؟.....
۲۲۸	گفتار چهارم: شاخه های مختلف ولایت و فقاقت.....
۲۳۱	گفتار پنجم: شرائط حاکم اسلامی.....
۲۳۲	گفتار ششم: ادله اثبات ولایت فقیه (مبانی مشروعیت و مقبولیت).....
۲۴۰	گفتار هفتم: دامنه اختیارات ولی فقیه.....
۲۴۵	گفتار هشتم: نحوه گزینش حاکم اسلامی.....
۲۴۸	گفتار نهم: نقش بیعت و ضرورت آن.....
۲۵۷	گفتار دهم: رهبری در قرآن.....
۲۵۷	الف: ضرورت رهبری و نقش تعیین کننده آن.....

- ب: آفات رهبری ۲۵۷
- ج: رهبران فاسد و نقش تخریبی آنان ۲۵۸
- د: زمینه‌های سلطه رهبران فاسد و خود کامه ۲۵۸
- بخش چهاردهم - شورا و نقش آن در سیاست اسلامی ۲۵۹
- گفتار اول: مفهوم شورا و ضرورت آن ۲۶۱
- گفتار دوم: انگیزه و هدف از مشورت در اسلام ۲۶۳
- گفتار سوم: از چه کسانی نظرخواهی شود؟ ۲۶۶
- ۱- خدا ترس و متقی ۲۶۶
- ۲- عدل و دردمند ۲۶۷
- ۳- عالم ۲۶۷
- ۴- خیر خواه ۲۶۷
- ۵- تجربه ۲۶۷
- گفتار چهارم: چه کسانی لایق نظرخواهی نیستند؟ ۲۶۸
- ۱- ترسو ۲۶۸
- ۲- بخیل ۲۶۸
- ۳- حریص ۲۶۸
- ۴- دروغگو ۲۶۹
- ۵- جاهل و نادان ۲۶۹
- ۶- احمق ۲۶۹
- ۷- انسان‌های ضعیف‌الرأی و بوقلمون صفت ۲۷۰
- گفتار پنجم: وظیفه مشاور چیست؟ ۲۷۲
- گفتار ششم: مشورت کننده چه وظیفه‌ای دارد؟ ۲۷۲
- گفتار هفتم: گستره مشورت ۲۷۴
- گفتار هشتم: اختلاف در آراء مشاورین ۲۷۷
- بخش پانزدهم - آزادی و جایگاه آن در سیاست اسلامی ۲۷۹
- گفتار اول: آزادی چیست؟ ۲۸۱
- گفتار دوم: آزادی یا حق طبیعی و فطری ۲۸۴
- گفتار سوم: آزادی فردی ۲۸۵
- گفتار چهارم: آزادی اندیشه ۲۹۱
- گفتار پنجم: آزادی سیاسی ۲۹۳

۲۹۵	گفتار ششم: آزادی مذهبی
۳۰۱	گفتار هفتم: مرتد در اسلام
۳۰۱	۱- ارتداد چیست؟ و مرتد کیست؟
۳۰۳	۲- حکم ارتداد
۳۰۵	۳- حد یا حکم حکومتی
۳۰۶	۴- شیوه بازشناسی حکم حکومتی
۳۰۹	گفتار هشتم: آزادی قلم و بیان
۳۱۵	بخش شانزدهم- مبانی جنگ و صلح در اسلام
۳۱۷	گفتار اول: اقسام بارزه
۳۱۷	۱- روزه نفس
۳۱۷	۲- مبارزه با طبیعت
۳۱۸	۳- جنگ و ستیز با همنوع
۳۱۹	۴- مبارزه با آفریدگار عالم
۳۱۹	گفتار دوم: انگیزه جنگ و جهاد اسلام
۳۲۰	اول: جهاد ابتدائی
۳۲۱	دوم: جهاد دفاعی
۳۲۱	سوم: جهاد با باغیان
۳۲۱	چهارم: جهاد با اهل ذمه یا اقلیت‌های مذهبی
۳۲۲	گفتار سوم: آیا جنگ افروزی لازمه سرشت انسانی است؟
۳۲۵	گفتار چهارم: آیا اسلام دین جنگ و مبارزه است
۳۲۹	گفتار پنجم: اصول و پایه‌های جنگ در اسلام
۳۳۰	اول: فرق است بین جنگ و دفاع
۳۳۳	دوم: فرق است بین جنگ و جراحی
۳۳۷	سوم: فرق است بین جنگ انسانی و جنگ غیر انسانی
۳۳۹	چهارم: قاعده اهم و مهم
۳۴۱	گفتار ششم: اهمیت معاهده و پیمان در اسلام
۳۴۱	الف) معاهده بین انسان و خدا
۳۴۲	ب) معاهده بین دو نفر و یا دو حکومت و یا
۳۴۵	گفتار هفتم: صلح در اسلام
۳۵۰	گفتار هشتم: سیاست اسلام در مورد اسیران جنگی
۳۵۱	گفتار نهم: اسلام و جاسوسی

۳۵۵.....	بخش هفدهم - مبانی حقوق بشر در سیاست اسلامی
۳۶۳.....	بخش هجدهم - اسلام و اقلیت‌های دینی
۳۶۸.....	گفتار اول: شرائط ذمه
۳۶۹.....	گفتار دوم: جزیه چیست و چرا لازم است؟
۳۷۱.....	بخش نوزدهم - مبانی سیاست خارجی در اسلام
۳۷۳.....	الف. اصول سیاست داخلی اسلام
۳۷۵.....	گفتار اول: نفی ستمگری و ستم‌پذیری
۳۷۸.....	گفتار دوم: نفی سلطه بیگانه
۳۸۰.....	گفتار سوم: سازش‌ناپذیری در اصول
۳۸۱.....	گفتار چهارم: احترام به قراردادها و تعهدات
۳۸۳.....	گفتار پنجم: حل اختلافات
۳۸۵.....	گفتار ششم: مصونیت پلما
۳۸۵.....	گفتار هفتم: پناهندگی در اسلام
۳۸۹.....	بخش بیستم - جایگاه علم و عقل
۳۹۱.....	گفتار اول: عقل چیست و عقلانیت کد است
۳۹۳.....	گفتار دوم: عقل در کتاب آسمانی
۳۹۵.....	گفتار سوم: عقل از دیدگاه رهبران معصوم
۳۹۷.....	گفتار چهارم: رابطه علم با دین
۴۰۱.....	گفتار پنجم: ارزش علم از دیدگاه اسلام
۴۱۱.....	بخش بیست و یکم - مبانی اقتصاد اسلام
۴۱۵.....	گفتار اول: فقر چیست؟
۴۱۵.....	الف) فقر مطلق
۴۱۶.....	ب) فقر نسبی
۴۱۶.....	گفتار دوم: ریشه‌یابی علل فقر
۴۲۰.....	گفتار سوم: آثار و عوارض فقر
۴۲۴.....	گفتار چهارم: محرومیت‌زدانی یا مبارزه با عوامل فقر در اسلام
۴۳۲.....	گفتار پنجم: دیدگاه اسلام در مورد ثروت
۴۳۶.....	گفتار ششم: خط فقر در اسلام
۴۳۹.....	منابع

به نام آنکه دل پرهانه اوست

مقدمه

نوع حکومت و قوانین حاکم بر کشورمان مبتنی بر مبانی دینی است؛ چرا که انقلاب عظیم مردم ما، اسلامی بوده است. انتظار از چنین جامعه‌ای رفتارهای دین‌مدارانه است. توقع از حاکمان این است که رفتار خود را، با دیگران اعم از مخالف یا موافق و نیز با بیگانگان چه همکیش، چه ممنوع براساس دستورات دینی استوار کنند. همانگونه که افراد جامعه باید روابط خود را با حاکمان اینگونه تنظیم نمایند.

بدیهی است که رفتارهای دین‌مدارانه مبتنی بر فهم و شناخت از دین است؛ گرچه شناخت از دین نیز واحد نبوده و همگی برداشت‌های مختلف از دین نخواهند داشت. اما پیش‌رو قرار دادن «قرآن» و «سیره» و رفتار رهبران و پیشوایان معصوم، به همراه بکارگیری عقل و درک زمان و مکان و اجتهاد پویا و بدور از پیش‌داوری‌های منحرف‌کننده، کمک‌شایانی به شناخت و عمل به دین خواهد بود. قبل از هر چیز باید بدانیم که شناخت ما از دین چگونه است؟ آیا دین کاربرد قبل از مرگ دارد یا بعد از مرگ؟ آیا دین را در چند رفتار عبادی خلاصه می‌کنیم؟ و یا برای دین نقشی بسیار گسترده قائلیم، به گونه‌ای که نه تنها برای تمام پندار و گفتار و کردار انسان در دوران زندگی برنامه دارد، حتی برای قبل از تولد انسان نیز دستوراتی ارائه کرده است. آیا از دین اطاعت کورکورانه می‌فهمیم یا همرنگی عاشقانه؟ هرگاه افراد یک جامع از نظر «نگرش» و «شناخت» و «عمل» به دین هماهنگ نباشند، بدون تردید زندگی دین‌دارانه نخواهند داشت، در نتیجه دچار اضطراب و کشمکش شده، یا رویه نفاق در پیش گرفته، رفتارهای ریاکارانه و بی‌محتوایی از خود بروز می‌دهند و یا به بی‌دینی به رو آورده، به مرور دین‌گریز و در نهایت دین‌ستیز خواهند شد. لذا برای گریز از آفت‌های ذکر شده لازم است جامعه‌ای که دین را فرا روی خود قرار می‌دهد، هم او را آنگونه که هست، بشناسد و آزادانه انتخاب کند و با دیدن زیبایی‌های دین به آن عشق ورزد و براساس آن شناخت و عشق، «دین‌دارانه» زندگی کند. چرا که درست است که انسان در ابتدای

راه و پیش از تولد به صورت جبر مسیری را می‌پیماید و از «جمادی می‌میرد و نامی شود» و پس از آن «از حیوانی سر می‌زند» و پس از مرگ نیز تولدی دیگر می‌یابد که این راهی است تعیین شده، و مسیری است پیمودنی و هر دو «تقدیر» است. اما فاصله کوتاه بین این دو «اختیار» اوست که باید برگزیند و بهوش باشد که وقت کم است و فرصت اندک و باید اکنون را دریابد که:

مافات مضی و ماسیاتیک فاین قم فاغتم الفرصه بین الاجلین

«گذشته‌ها گذشت و آینده نیز هنوز نمایان نگشته است پس اکنون را دریاب که در دست تو است و بر کن مسلطی». درست است که اصل «حرکت» بدست انسان است و این انسان باید بداند که مشکل ردد او پرواز بر اوج آسمان‌ها نبود که همانند پرندگان بر آن فایق آید و از آنها نیز پران شود و خاک کرمانه را سبزه کند و برای زمینیان به عنوان مائده آسمانی به ارمغان آورد و عنقریب در آن کشت و زرع و سنت نیز راه‌اندازی نماید. همانگونه که کمبود او نفوذ در دل دریاها و اقیانوس‌ها و نبود که همان ماهی‌ها و نهنگ‌ها دل آن را بشکافد و در آینده نزدیک در آن سکنی گزیند و جای آن‌ها را تنگ کند و جای خود را فراخ تر نماید؛ چرا که به قول خواجه عبدالله انصاری: «اگر در هوا روی منسی باشی، در آب روی خسی باشی، دل بدست آر تا کسی باشی».

پس کمبود و مشکل انسان چه بود که از سرمنزله عدم این همه راه آمد و طی مسیر نمود؟ مشکل او «انسانیت» بود و «خداگونه» و «جانشین الهی» «است» دار گشتن، اراده‌اش، اراده الهی گردد و بر زمین و زمان حکم راند. چرا که خود فرمود:

«عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی» بنده من از من اطاعت نما تا تو را همانند خود گردانم. و این همه در جایی مقدور است که راه را بشناسیم و راهبران را انگه که بودند دریابیم و به دنبال‌شان روان گردیم تا ما را به سرمنزله مقصود رهنمون گردند.

با چنین انگیزه و نگرشی این بنده حقیر، راقم این سطور سعی نمود در کنار مکتب پرصلابت و غنی و اسلامی از این اقیانوس بی‌کران لبی تر نماید و از این بنای عظیم و معماری مبهوت‌کننده که «پایه‌های آن در زمین و ارتفاع آن در آسمان است» (اصلها ثابت و فرعها فی السماء) ترسیمی گرچه بسیار ناقص ارائه نماید و تردید ندارد که این نوشتار خالی از انتقاد نخواهد بود و منت کسانی را خواهد داشت که مطالب خود را انتقادگونه، و نه انتقام‌گونه بیان فرمایند. که انتقاد، جراحی است، و انتقام سلاخی؛ انتقاد همانند موتور، عامل حرکت و انتقام همانند ترمز بازدارنده است.

از خدای بزرگ و رهبران برگزیده‌اش در بخشش کاستی‌ها و بدفهمی‌ها عذر تقصیر می‌خواهم و عرضه می‌دارم: بارالها سعی بسیار نمودم تا ضمن خوب فهمیدن، نیکو بیان کنم، اما اگر در این تلاش توفیق لازم بدست نیامد، درخواست عفو و بخشش دارم. آمین یارب العالمین.

عیسی ولانی

تابستان ۷۶ - تهران